

نگاهی به ترکیب و کارنامه همه جریاناتی که امروز زیر چتر دوم خردادی‌ها در خارج ایران صف کشیده‌اند نشان میدهد سیاستهای امروزشان ادامه همان ضدیت دیرین شان با خواسته‌های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم است. معرفی خیل رنگارنگ سلطنت طلبان برای کسانی که این مرتجعین را در قدرت دیده‌اند شاید لازم و ضروری نباشد. زیرا همه به عینه مشاهده کرده‌اند که در حکومت پهلوی چیزی جز فقر و سرکوب و ساواک نصیب مردم نشده است. مردمی که حکومت محمد رضا پهلوی را دیده‌اند خوب می‌توانند بیاد بیاورند که برقراری اختناق و سرکوب مخالفین سیاسی و قلع و قمع کمونیستها و سازمانهای چپ، از مشخصات اصلی آن حکومت بود.

بعد از سرنگونی رژیم سلطنت در سال ۵۷ بخش وسیعی از وزیر و وکیل و ساواکی‌های در خدمت آن رژیم بعنوان پناهنده و مهاجر سر از خارج در آوردند و بخشی از آنان بدلیل کوتاه شدن دستشان از حکومت تا اطلاع ثانوی "روزنامه نگار" شدند.

مشخصه فعلی این طیف در حال حاضر نیز چیزی جز ضدیت با آزادیخواهی و کمونیسم و باج دادن به اسلام و زیر عباي آخوند پنهان شدن نیست. نگاهی به کیهان لندن بیاندازید تا شغل شریف امروزشان را مشاهده کنید. یک نمونه آن ضدیت آشکارشان با دهها هزار پناهنده جان بدر برده از سرکوب جمهوری اسلامی است. برای نمونه در ماجرای کنفرانس برلین صفحات کیهان لندن در خدمت ارادلی چون علیرضا نوری زاده و دیگران قرار گرفت تا با دست باز بر علیه پناهندگان "افشاگری" کنند. لخت شدن پروانه حمیدی را به دریافت پناهندگی نسبت دادند و هر مناسبتی که دست داد اعلام کردند که معترضین در کنفرانس برلین، دوربین عکاسی به دست دوستانشان می‌دادند که حین اعتراض از آنها عکس گرفته شود تا برای تکمیل پرونده پناهندگی شان به دادگاه ارائه دهند. حتی اگر همه ادعای این "روزنامه نگاران شریف" فعلی صحت داشته باشد، باید گفت مگر منافع شخصی داشتن و برای آن مبارزه کردن جرم است؟ مگر غیر از این است که بخش وسیعی از خود این عالیجنابان بیست سال پیش بعنوان پناهنده در کشورهای اروپایی حق اقامت گرفته‌اند؟ شاید طبق تعریف و باور طبقاتیشان، حق مردمی که امکانات مالی در خور توجهی ندارند و همه زندگی شان موقع فرار از ایران چیزی جز لباس تنشان نبوده است، لیاقت زندگی دیگری را ندارند. طبق ادعای همه کسانی که از سر پناهنده ستیزی به این فاکت ارتجاعی پناه برده‌اند، طبعا حق مردم ایران هم نیست که از سر نیاز شخصی - نان و آب و بهداشت و مسکن - با جمهوری اسلامی بجنگند. احتمالا دعوا باید بین کسانی باشد که بی نیاز از این مشکلات باشند و فقط برای "دمکراسی و آن هم از نوع اسلامی اش" حرف بزنند. این شغل "شریفشان" را در جریان سفر خاتمی و تظاهراتهای باشکوه ضد رژیم اسلامی در برلین یک بار دیگر و اینبار اما با ترس و لرز مشاهده کردیم. خبرنگار کیهان لندن، نسرين بصیری در جریان یک مصاحبه از شرکت کننده‌ای در تظاهرات ضد جمهوری اسلامی در برلین می‌پرسد: "آیا شما پناهنده‌اید؟" و بعد از آن به طرح سؤال می‌پردازد. معنی این سؤال را وقتی می‌توان به روشنی فهمید که این شخص در جریان کنفرانس برلین دوشادوش دیگر دستداران جناب خاتمی دست به یک تبلیغ وسیع ضد پناهندگی زده است. باز هم به کیهان لندن مراجعه کنید و یک بار دیگر نوشته‌های این شخص را بخوانید تا معلوم شود سؤال "آیا شما پناهنده‌اید؟" آن روی سکه مخالفی در خارج کشور وجود ندارد است و همه آن چند هزار تظاهر کننده بر علیه جمهوری اسلامی گویا در پی تهیه مدارک

برای پناهندگی اند(!) اگر همه این تبلیغات شان هیچ خیری برایشان نداشته باشد حتما به دولت آلمان کمک خواهد کرد تا مدارک مبارزه پناهندگان با جمهوری اسلامی در خارج کشور را غیر قابل قبول ارزیابی کند و مدعی شود این مدارک نه از سر مبارزه واقعی با جمهوری اسلامی، بلکه طبق ادعای "بخشی از اپوزیسیون" برای قبولی تهیه شده است. تا همینجا معلوم است با شعار "ای ایران، ای مرز پر گهر" و "ایران برای همه ایرانی ها" سهم پناهندگان ایرانی چه خواهد بود.

اما سازمان همیشه "باشرف" اکثریت. همکار ساواما در لو دادن آزادیخواهان و کمونیستها، مدافع بی جیره و موجب جمهوری اسلامی که سهمش از خوشخدمتی چیزی جز توسری و تیپا نبوده و احتمالا هرگز جز این نخواهد بود. این سازمان نیز در ترس از قدرت و نفوذ فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در میان خیل عظیم پناهندگان به وحشت افتاده و برای اینکه به جمهوری اسلامی اطمینان بدهد که خطری از سوی اپوزیسیون تهدیدش نمی کند، تا به این وسیله جایی در میان بخشی از حکومت برای خود گدایی کند، یک بار دیگر بنا به تخصصش، یعنی ضدیت با منافع مردم، و در این مورد، مشخصا ضدیت با پناهندگان ایرانی، با دیگر همپالگی هایش یک کاسه و یکصدا شده و در اطلاعیه ای رسماً اعلام می کند با پناهنده شدن ایرانیان مخالف است و از آن حمایت نمی کند. باید از این سازمان بد نام سؤال شود کی و چگونه شما از پناهندگان حمایت کرده اید که امروز اعلام می کنید دیگر از پناهنده شدن ایرانیان حمایت نمی کنید. لطفا کارنامه دیروزتان را نشان پناهنده بدهید و بگویید کجا و چگونه در مقابل حمله دول "پناهنده پذیر" از حقوق پناهندگان دفاع کرده اید، چند اعتراض و اعتصاب و تحصن در دفاع از پناهندگان سازمان داده اید، جلوی دیپورت چند نفر را به ایران گرفته اید و ...؟

طبیعتاً منافع مشترکی این جریانات ناهمگون اجتماعی را بر علیه پناهندگان ایرانی که در حال حاضر مورد بی سابقه ترین حملات دول اروپایی قرار دارند و هر روز زندگی شان در کمپها و اردوگاههای پناهندگی در مخاطره جدی قرار دارد به هم نزدیک کرده است. حفظ جمهوری اسلامی و وحشت از انقلابی که می تواند کل موجودیت این حکومت ضد انسانی را جارو کند، آن منافع مشترکی است که کل دوم خردادی های خارج ایران را به "افشاگری" و ضدیت با پناهنده کشانده است. از سر تصادف هم حتی یک بار حرفی از دهها هزار پناهنده ایرانی که تقاضای پناهندگی شان رد می شود، نمی زنند. دهها اعتراض کوچک و بزرگ طی همین چند ماه گذشته توسط پناهندگان و در موارد زیادی با سازماندهی فدراسیون صورت گرفته است. زنان پناهنده ایرانی توسط پلیس آلمان بخاطر امتناع استفاده از روسری موقع عکس برداری برای تکمیل پرونده جهت دیپورت به ایران کتک خورده اند. تعدادی در راه رسیدن به اروپا در حین عبور از رودخانه جانشان را از دست داده اند، کودکان این پناهجویان از سرما و گرسنگی در کاله - اردوگاه پناهندگی در فرانسه - به خود می پیچند و صدها مشکل کوچک و بزرگ دیگر، زندگی را به جهنمی برای این پناهجویان تبدیل کرده است. اما طبق انتظار، کلامی از این جماعت به گوش نرسیده است. فقط کافی است این سیاست را با سیاست حمایتشان از منتظری ها و سروشها و جلائی پورها و گنجی ها و در یک کلام دفاع از خاتمی مقایسه کنید تا بوی گند سیاستهای ضد انسانی شان بیش از سابق مشام را بیازارد.

بیشک در کنار مبارزه با جمهوری اسلامی و تلاش برای سرنگونی این رژیم ضد بشری و همچنین دفاع بی قید و شرط از حق پناهندگی، باید کل طرفداران متنوع جمهوری اسلامی را در داخل و خارج منزوی و بی آبرو کرد. نباید گذاشت این طیف، آب خوش از گلوشان پایین برود. باید کارنامه شان را در مقابل مردم گرفت. فدراسیون پناهندگان ایرانی با تمام نیرو در حال سازماندهی اعتراضات پناهندگان است. هر چه این اعتراضات پر قدرت تر باشد به همان

درجه کمک خواهد کرد تا پناهندگان به خواسته های برحق خود رسیده و به همان میزان طرفداران جمهوری اسلامی در خارج کشور منزوی تر گردند. با سیاستهایی که کل طیف دو خردادی در خارج کشور برگزیده اند پرونده شان سیاه تر از گذشته شده است. این جماعت باید روزی جوابگوی اعمال کثیفشان باشند.